

بیشتر صحبت نمایند - کمتر پردازید

برای اشتراک: **#233*2*1*** را دایر نمایند

6000

دقیقه فقط در بدل 499 افغانی برای 30 روز

از افغان بیسیم به افغان بیسیم

HD VOICE

AFGHAN WIRELESS

www.afghan-wireless.com

152

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

رئیس جمهور مخالفان مسلح را به مذاکرات صلح فراخواند



رئیس اجرایی چه می کند؟

ساختمان شفاخانه زندان پل چرخي به بهره برداری رسید

صفحه ۲

نگرانی از گسترش افراط گرایی و پیامدهای منفی آن

صفحه ۳



شرکت های هوایی افغانستان و بازی با جان مردم

صفحه ۶



سپنتا: جنبش روشنایی محصول دموکراسی نوپای ماست

صفحه ۳



دریاهای بین المللی افغانستان و ضرورت اداره و مدیریت سالم آنها

صفحه ۵

صفحه ۴

چه کسی قهرمان ملی است؟



در وضعیت کنونی، نیروهای فعال اجتماعی و گروه های قومی، در تقابل هویتی قرار دارند و هم دیگرشان را مخل و یا سدی برای تامین منافع سیاسی شان می دانند. به همین ترتیب، یک طرف، کسی را قهرمان برابری خواهی و عدالت طلبی می شمارد، جانب دیگر همان شخصیت را فردی تفوق طلب و شرافگن می نامد. اما این طرز دید را نمی توان تا آخر کش داد. اگر دقیق تر بیندیشیم و محاسبه کنیم، در وجود هم دیگر شاید چیزهایی را از دست دهیم اما در بدل آن ارزش های کلان تری را به دست خواهیم آورد و آن چه را به دست می آوریم، ارزشش بیشتر از آن چیزی خواهد بود که از دست می دهیم.

Afghan Cyber ISP/ICT Company
Services With Reliability

Afghan Cyber Provides Wireless and V-SAT Internet Services All Over Afghanistan

شرکت اینترنتی افغان ساینبر عرضه کننده خدمات اینترنت وایرلس و ویست در سراسر افغانستان

Email: Sales@afghancyber.com
Cell No: 0799199203
Cell No: 0789900349
Website: www.afghancyber.com

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- 1 مسافرین محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافرین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافرین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافرین گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

DUBAI, JEDDAH, ISTANBUL, ANKARA, URUMQI, DELHI



فراخوان بی معنا

رییس‌جمهور غنی دیروز از طالبان خواست که به میز مذاکره بیایند و به جای جنگ، سیاست پیشه کنند. رییس‌جمهور غنی در حالی طالبان را به مذاکره دعوت می‌کند که این گروه به صورت واضح اعلام کرده است که نمی‌خواهد دست از جنگ بردارد. گروه طالبان سخنان اخیر رییس‌جمهور امریکا را که گفته بود ایالات متحده نمی‌تواند طالبان را ریشه کند، سوژه‌ی تبلیغات گسترده ساخته‌اند. این گروه با استناد به همین سخنان، به پیروان و جنگجویانش پیام می‌دهد که دست از جنگ برندارند. تصور گروه طالبان این است که پیروزی نظامی آنان قریب‌الوقوع است.

در چنین وضعیتی ایجاب نمی‌کرد که رییس‌جمهور غنی از طالبان بخواهد که روی میز مذاکره بیایند. گروه طالبان این موضع رییس‌جمهور را هم ضعف نیروهای امنیتی افغانستان تلقی خواهند کرد. در وضعیتی که به گروه طالبان احساس پیروزی دست داده باشد، چرا باید انتظار داشته باشیم که آنان دعوت رییس‌جمهور را جدی بگیرند و به مذاکره بیایند. دیگر آمیدی به پاکستان هم نیست که گروه طالبان را روی میز مذاکره حاضر کند. پاکستان در بدل این کار امتیازاتی می‌خواهد که در توان هیچ کشور جهان نیست. پاکستان در بحران کشمیر از دنیا امتیاز می‌خواهد. پاکستان وقتی در افغانستان امتیاز می‌دهد که در کشمیر امتیاز بگیرد. دادن امتیاز در کشمیر برای پاکستان، به هیچ کشوری مقدر نیست.

بنا بر این هیچ آمیدی نیست که طالبان راه مذاکره را در پیش بگیرند. در چنین وضعیتی ایجاب می‌کرد که رییس‌جمهور مشروعیت حقوقی، سیاسی، اجتماعی و جهانی دولت را به رخ طالبان می‌کشید و از نیروهای امنیتی می‌خواست که در برابر این گروه بجنگند. نیروهای امنیتی باید با اتکا به مشروعیت وطنی، اجتماعی و جهانی دولت افغانستان، با اعتمادبه‌نفس بالا در برابر طالبان بجنگند. رییس‌جمهور، رییس‌اجرائی و دیگر بلندپایه‌گان دولت باید اعتماد به نفس در نیروهای امنیتی ایجاد کنند. ایجاد اعتماد به نفس در نیروهای امنیتی هم با برجسته‌کردن مشروعیت وطنی، اخلاقی، اجتماعی و جهانی نهاد دولت ممکن است.

رییس‌جمهور باید به نیروهای امنیتی بگوید که در این جنگ، غیر از پاکستان و برخی از نهادهای استخباراتی همسایه‌های دور و نزدیک دیگر، تمام جهان متحد نیروهای امنیتی افغانستان است. این نیروها مورد حمایت مردمی نیز هستند. در هیچ جای افغانستان مردم طالبان را نمی‌خواهند. رییس‌جمهور باید خطاب به نیروهای امنیتی می‌گفت نظامی که آنان در چارچوبش می‌جنگند، مشروع است. طالبان یک جریان سیاسی مرده‌اند. این را هر کسی که مسایل مربوط به افغانستان را دنبال می‌کند، می‌داند. طالبان هیچ پیام سیاسی متفاوت برای مردم افغانستان ندارند. جریانی که به لحاظ سیاسی مرده باشد، هیچ کسی منتظر پیروزشدنش نیست.

مردم افغانستان دیگر نمی‌خواهند که طالبان به سرنوشت آنان حاکم شوند. رییس‌جمهور به جای فراخوان مذاکره، باید از مرگ سیاسی طالبان و شکست‌های پی‌هم اخلاقی این گروه برای مردم افغانستان و نیروهای امنیتی سخن می‌گفت. بیان این واقعیت‌ها سبب می‌شود که اعتمادبه‌نفس نیروهای امنیتی افزایش یابد. نباید اعتمادبه‌نفس نیروهای امنیتی، نیروهایی که هر روز برای امنیت کشور قربانی می‌دهند، صدمه ببینند. رییس‌جمهور باید برای آن عده از همکارانش که توهم صلح‌پذیری از سوی طالبان برای شان دست داده است، حالی کند که از این توهم دست برندارند. واقعیت‌ها روی زمین خلاف این توهم را ثابت می‌کند. رییس‌جمهور باید با در نظر داشت واقعیت‌های روی زمین سخن بگوید و ناخواسته به کل نظام صدمه نزند.

رییس‌جمهور

مخالفان مسلح را

به مذاکرات صلح فراخواند

♦ احسان‌الله بکتاش



اشرف غنی رییس‌جمهور کشور، گروه‌های مسلح مخالف دولت را به آغاز مذاکرات بین‌الافغانی فراخوانده است. آقای غنی که روز گذشته در مراسم گرامی‌داشت از روز تولد پیامبر اسلام صحبت می‌کرد، گفت: «من در این روز مبارک تمام مخالفان دولت را به مذاکره بین‌الافغانی دعوت می‌کنم. چرا این را می‌گویم، چون در آن خیر است، خیر ملت و تمام مسلمانان است. خیر وطن در این نیست که ویران شود و مردم محتاج دیگران باشند.»

اشرف غنی تاکید کرد که صلح از دستوره‌های پیامبر است. رییس‌جمهور افزود که از دیدگاه پیروان پیامبر اسلام، عداوت و دشمنی شرم است.

شورای عالی صلح نیز به آغاز مذاکره بین‌الافغانی با گروه‌های مسلح مخالف دولت تاکید کرده می‌گوید که در صلح هیچ‌یک از جناح‌ها بازنده نخواهند بود. این شورا در پیامی به مناسبت روز تولد پیامبر می‌نویسد: «تمام طرف‌های درگیر در معضل افغانستان با در نظر داشت اوضاع کشور، منطقه و جهان باید درک کنند که یک‌ونیم دهه گذشته و تاریخ نشان دهنده آن است که در صلح هیچ‌یک از جناح‌ها بازنده نمی‌باشند، بلکه صلح را پروردگار خیر دانسته، باید تمام خواسته‌های معقول روی میز مذاکرات مستقیم و بین‌الافغانی مطرح شده و به جنگ، خشونت و برادرکشی نقطه پایان گذاشته شود.»

در این پیام هم‌چنین آمده است:

صلح پس از آن صورت می‌گیرد که اخیراً نگرانی‌ها در باره گسترش روابط میان گروه طالبان و برخی از کشورهای منطقه از جمله روسیه، ایران، پاکستان و عربستان بیشتر شده است.

چند روز قبل جنرال جان نیکلسون فرمانده نیروهای بین‌المللی در افغانستان، از ارتباط میان گروه طالبان و این کشورها شدیداً ابراز نگرانی کرد. به دنبال اظهارات جنرال نیکلسون، سفیران ایران و روسیه ارتباط دولت‌هایشان با گروه طالبان در افغانستان را تایید کردند.

ارتباط میان برخی از کشورهای منطقه با گروه طالبان در افغانستان، واکنش‌های برخی از مقام‌ها و سیاست‌مداران پیشین را نیز در قبال داشته است.

داکتر رنگین دادفر سینتا، مشاور پیشین امنیت ملی می‌گوید که هرچند در اوایل حتماً کشورهای متخاصم در تامین ثبات در افغانستان باهم هم‌سو بودند، اما حالا در سطح بین‌المللی هم وفاقی وجود ندارد.

آقای سینتا، روز شنبه در کنفرانس «جنبش روشنائی و چشم‌اندازی فعالیت‌های مدنی در افغانستان»، با اشاره به روابط روسیه با گروه طالبان گفت: «کشورهای رقیب و حتماً متخاصم، ایالات متحده امریکا، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، فدراسیون روسیه در دفاع از پروژه دولت‌سازی در افغانستان، در دفاع از تقویت ثبات در افغانستان و مبارزه با تروریسم طالبانی باهم متحد بودند. اما امروز در عرصه بین‌المللی هم وفاقی بر روی افغانستان وجود ندارد. کشور فدراتیف روسیه، امروز طالبان را جنبش سیاسی تلقی می‌کند و قابل گفتگو می‌داند. رییس‌جمهور امریکا آقای اوباما در یک صحبت خصوصی در سال ۲۰۱۳ گفت که باید با طالبان نه به عنوان تروریسم بلکه طور دیگری برخورد کرد.»

داکتر سینتا در این نشست گفت که احتمالاً روسیه به دلیل نگرانی از قدرت‌گرفتن گروه داعش با طالبان در ارتباط شده است. وی تاکید کرد: «همه کس می‌داند آنچه که در شبنوار افغانستان می‌گذرد، بیشتر ملیشه‌های اورکزی و پاکستانی هستند که پرچم داعش را برافراشته‌اند. چرا دستگاه‌های تبلیغاتی رسمی ما هر روز چنان با برطیل داعش می‌کوبند تا کشورهای منطقه و جهان جدا باور بکنند که افغانستان به یک پایگاه جدی داعش تبدیل شده است و باید از طالبان علیه داعش استفاده کرد. امروز کشور ما به جای صحنه همکاری شوراهایی دارای نظام‌ها و آرمان‌ها به عنوان عرصه رقابت، مخالفت و دشمنی میان کشورها تبدیل شده است. همه کشورها می‌گویند وقتی که دیگران با طالبان گفتگو و حمایت می‌کنند، ما هم چنین کاری می‌کنیم.»

داکتر سینتا هم‌چنین گفت که از طالبان طی چهارده سال گذشته به صورت منظم قباحات‌زدایی شده است. به گفته او، قباحات‌زدایی از طالبان برخی از کشورهای منطقه را واداشته است تا با این گروه در تماس شوند.

بحث مذاکرات صلح با طالبان، همواره با نزدیک‌شدن فصل زمستان مطرح می‌شود. این گروه در گذشته بارها با نزدیک‌شدن فصل زمستان از تمایلش برای آغاز مذاکرات صلح خبر داده، اما با گرم‌شدن هوا، درخواست‌های دولت برای انجام مذاکره را رد کرده است. هم‌چنین درخواست رییس‌جمهور از مخالفان مسلح برای مذاکره

ساختمان شفاخانه زندان پل چرخی

به بهره‌برداری رسید

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه ساختمان جدید شفاخانه زندان پل‌چرخی را رسماً به بهره‌برداری سپرده است.

این شفاخانه سی بستر، روز شنبه توسط وزیر صحت عامه بهره‌برداری رسید.

داکتر فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه، می‌گوید که عرضه خدمات صحی بدون در نظر داشت نژاد، مذهب و اقوام یکی از وظایف عمده این وزارت است. او تاکید کرد که زندانیان یک قشر آسیب‌پذیر جامعه را تشکیل می‌دهند و نیاز مبرم به خدمات صحی دارند.

وزیر صحت عامه افزود: «در حال حاضر وزارت صحت عامه، در ۳۰ ولایت کشور برای زندانیان از طریق موسسات همکار و در چهار ولایت به شکل مستقیم خدمات صحی را عرضه می‌کند که بخشی عمده عرضه خدمات صحی زندان پل‌چرخی کابل را نیز این وزارت به عهده دارد.»

در همین حال، عبدالعلیم کوهستانی رییس عمومی محاسبات وزارت داخله، از همکاری وزارت صحت عامه، در راستای ارتقای این مرکز صحی ابراز قدر دانی کرده و از ایجاد یک شفاخانه ۵۰ بستر در آینده نزدیک نیز در زندان پل‌چرخی خبر داده است.

مرکز صحی زندان پل‌چرخی که قبلاً به شکل یک کلینیک خدمات صحی عرضه می‌کرد، اکنون به شفاخانه ۳۰ بستر ارتقا یافته و دارای بخش‌های داخله، جراحی، دندان، لابراتوار، اکسری، بخش عاجل، بخش مشورت‌دهی خدمات کاهش اضطراب مواد مخدر و شعبه پانسمان می‌باشد.

در حال حاضر در زندان پل‌چرخی بیش از ۱۳ هزار زندانی حضور دارند که به گفته وزارت صحت عامه، شماری از آنان از بیماری‌های مختلفی رنج می‌برند.



خانه آزادی:

احدی باید ادعای خود را ثابت سازد

۸صبح، کابل: خانه آزادی، از نهادهای رسانه‌ای کشور، از انوارالحق احدی، رهبر حزب افغان ملت، خواسته تا ادعایش مبنی بر این که شماری از رسانه‌ها توسط امنیت ملی خریداری شده‌اند را ثابت سازد.

انوارالحق احدی روز شنبه، در کنفرانسی که توسط جنبش روشنائی برگزار شده بود، گفت که امنیت ملی برخی از رسانه‌ها را خریداری کرده است. آقای احدی جزئیات بیشتری در این باره نکرد و هم‌چنین نگفت که کدام رسانه‌ها خریداری شده‌اند.

اما، خانه آزادی در برابر این ادعای انوارالحق احدی واکنش نشان داده و آن «توهین بزرگ» به رسانه‌ها و خبرنگاران توصیف کرده است. خانه آزادی در اعلامیه‌ای می‌گوید: «خانه آزادی افغانستان، ضمن قدر دانی از فعالیت شجاعانه، مسلکی و مستقلانه رسانه‌های آزاد کشور، از شخصیت‌های محترم سیاسی و مقام‌های حکومت انتظار دارد تا در اظهارات خویش در رابطه به رسانه‌ها آگاهانه و مسوولانه ابراز نظر کنند. خانه آزادی افغانستان، از آقای احدی می‌خواهد در صورتی که برای گفته‌های خویش ثبوتی ندارد، از خبرنگاران و رسانه‌های جمعی معذرت‌خواهی کند.»



سپتا:

جنبش روشنائی محصول دموکراسی نوپای ماست

انفجار، انتحار، خشونت، تفرقه‌اندازی، شورانیدن حساسیت‌های قومی، ارباب، تهدید و اتهام به جاسوسی و دوسیه‌سازی استفاده کرده است.»

اما، انوارالحق احدی رییس حزب افغان ملت و از مقام‌های پیشین حکومت از جنبش روشنائی به عنوان یک جنبش قومی یاد کرده می‌گوید که خواسته‌های مطرح شده توسط این جنبش مبنای قومی دارد. آقای احدی در نشست روز شنبه گفت، هرگاه خواسته‌ها قومی نباشد، رهبران جنبش روشنائی نمی‌توانند بیشتر از چهل‌هزار نفر را به جاده‌ها بکشانند.

هواداران جنبش روشنائی که خواستار انتقال لین برق وارداتی ترکمنستان از مسیر بامیان هستند، تاکنون دست به اعتراض‌های گسترده و مختلف زده‌اند. جنبش روشنائی و حکومت وحدت ملی تاکنون نتوانسته‌اند اختلافاتشان در باره مسیر انتقال لین برق وارداتی ترکمنستان را حل کنند.

خودداری‌شان از دادن پول صرفیه برق، گفت که این جنبش نمی‌تواند تا «ابد» رویکرد مدنی بودن فعالیت تمامی اعضایش را تضمین کند. آقای مهدوی گفت: «می‌خواهیم برای حکومت خاطرنشان کنیم این که اگر لین پنج‌صد کیلوولت برق ترکمنستان از مسیر اصلی آن، یعنی بامیان-میدان‌وردک عبور نکند، از هیچ مسیر دیگری نیز عبور نخواهد کرد.»

رهبران جنبش روشنائی حکومت را در بروز حادثه دوم اسد که در آن ۹۵ تن کشته و نزدیک به چهارصد تن از هواداران این جنبش در جریان تظاهرات در نتیجه یک حمله انتحاری زخمی شدند، مقصر می‌دانند و می‌گویند که تاکنون رفتارهای حکومت در برابر این جنبش «خصمانه و نفاق‌افکنانه» بوده است. جعفر مهدوی می‌گوید: «حکومت به‌جای تعامل و پاسخ‌گویی در مقابل مطالبات بخش قابل توجهی از شهروندان که با استفاده از شیوه‌های کاملاً مدنی اعتراض‌شان را مطرح کرده‌اند، از همه‌ی ابزارهایی چون

کشور با پیامدهای آن سنجیده برداشته شود. اما او تاکید کرد که در نظرگیری شرایط موجود به مفهوم انصراف و اجتناب از طرح خواسته‌های عادلانه و دموکراتیک نیست. آقای سپتا گفت که طرح خواسته‌های عادلانه، دموکراتیک و برابری طلبانه برای تمام مردم، برنامه سیاسی درست و بازتاب آن گسترده‌تر از یک بخش جامعه می‌تواند باشد.

مسیر بامیان یا هیچ مسیر دیگر
جنبش روشنائی که در ماه ثور امسال پس از تغییر مسیر لین برق وارداتی پنج‌صد کیلوولت ترکمنستان از مسیر بامیان به مسیر سالنگ شکل گرفت، هم‌چنان به خواست‌اش مبنی بر عبور این لین از مسیر ولایت بامیان تاکید کرد.

جعفر مهدوی از رهبران جنبش روشنائی، در نشست روز شنبه، گفت که هواداران این جنبش تاکنون به روش‌های خشونت‌آمیز رو نیآورده‌اند. آقای مهدوی با اشاره به نافرمانی مدنی این جنبش در روز پنج‌شنبه هفته گذشته مبنی بر آتش‌زدن بل برق و

مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان، با اشاره به برخی از جنبش‌های اعتراضی از جمله «جنبش سبزه‌های اروپایی» گفت که اعتراضات این جنبش‌ها در کشورهای سوئد، ناروی، بلژیک و آلمان باعث شد تا این کشورها روند استفاده از انرژی اتمی دست‌بردار شوند. به گفته داکتر سپتا، هرچند عدم استفاده از انرژی اتمی برای این کشورها «میلیاردها دالر» خساره مالی وارد کرد، اما دولت‌های‌شان به خواست بخشی از شهروندان خود پاسخ مثبت دادند. آقای سپتا افزود: «واکنش دموکراتیک و عادلانه به ندای مردم در دموکراسی‌ها بدون شک که چنین است. حتما می‌خواهم بگویم که بخشی از رهبران این حکومت‌ها خود از لابیست‌ها و مدافعان انرژی اتمی بودند، اما بعد از پیش‌گامان مبارزه با انرژی اتمی تبدیل شدند.»

داکتر رنگین دادفر سپتا، در عین حال گفت که افغانستان در شرایط حساس، بحرانی و درندک قرار دارد و تمام گام‌ها باید در این

داکتر رنگین دادفر سپتا مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان، از جنبش روشنائی به عنوان محصول دموکراسی نوپای کشور یاد کرده می‌گوید که این جنبش براساس اراده آزاد به منظور پایان‌دادن به تبعیض شکل گرفته است.

آقای سپتا که روز شنبه، ۲۰ قوس، در کنفرانس یک روزه‌ی تحت نام «جنبش روشنائی و چشم‌انداز فعالیت‌های مدنی در افغانستان»، صحبت می‌کرد، گفت: «جنبش روشنائی در تاریخ کشور ما از منظر تبارز جامعه مدرن در چارچوب دموکراسی سیاسی اصیل‌ترین و راستین‌ترین جامعه شهروندی است که براساس اراده آزاد و تمایل عدالت‌طلبانه آزاد آن‌ها، به منظور پایان‌دادن به تبعیض و استقرار عدالت و به منظور حضور توده‌های صدهزار نفری یا ده هزار نفری در صحنه جامعه به دفاع از حقوق بخشی از مردم افغانستان و در نهایت و بهتر به دفاع از دموکراسی افغانستان پرداخته‌اند. بدین مبنای، جامعه مدنی جنبش روشنائی یک محصول دموکراسی نوپای افغانستان است که در چارچوب آن مردم حق دارند برای تحقق خواسته‌های‌شان دست به اعتصاب بزنند، مظاهره بکنند و دولت و حکومت عمدتاً وظیفه دارد تا امنیت فزینی چنین تظاهراتی را در چارچوب قانون تضمین بکند.»

در این نشست که برخی از مقام‌های پیشین، شماری از اعضای مجلس نمایندگان و رهبران جنبش روشنائی نیز حضور داشتند، داکتر رنگین دادفر سپتا در آن افزود که اختلاف میان حکومت و جنبش روشنائی در باره عبور لین برق از مسیر بامیان به دلیل مسایل تخنیکی نیست، بلکه به گفته او، این یک مساله سیاسی است. آقای سپتا می‌گوید: «وقتی یک جمع بزرگ برای تغییر یک سلسله موازین تخنیکی اعتراض می‌کنند، دولت‌ها مجبور هستند ولو این که با مصرف چند میلیون پول اضافی بتوان اشتباه را اصلاح کرد، دولت‌های دموکراتیک پاسخ می‌گویند و اشتباهات و تصامیم‌شان را که مورد پذیرش یک جمع بزرگ قرار نمی‌گیرد، اصلاح می‌کنند. در بسیاری جاها چنین بوده است.»

نگرانی از گسترش افراط‌گرایی و پیامدهای منفی آن

● سهیلا وداع خموش



ایدیولوژی افراطی دینی، برای پنهان کردن هدف سیاسی و برای رونق‌بخشیدن به مقبولیت‌شان در میان کشورهای اسلامی از آن استفاده می‌کنند، گروه‌هایی در طول تاریخ وجود دارند که بحث هویت دینی را بسیار جدی می‌گیرند. کسانی که دچار افراطیت می‌شوند، دنبال فربه‌کردن هویت دین‌اند بدون در نظر داشت معرفت دین.»

آقای راشدی تصریح کرد: «ما شجاعت زدودن زمینه‌ها و رگه‌های افراطیت را از تفکر دینی خود نداریم، عملاً خود ما دچار مشکل‌یم هیچ زمانی نتوانستیم اسلام را باتمام گستردگی آن در یک گفتمان با مدرنیته و خرد نوین به میدان آوریم که در این صورت اگر اسلام تاریخی را امروز تطبیق کنیم حتما دچار بن‌بست‌ها می‌شویم، انتقاد به همه کشورهای اسلامی بر می‌گردد، ولی وقتی تفکر افراطی به پروژه رسید، به استخدام بعضی‌ها قرار گرفت. بعد می‌آییم به راحتی گفتمان دایر می‌کنیم.»

اکثر آگاهان به این باوراند که نبود شناخت کافی از اسلام سبب رشد این پدیده شده است و پیشنهاد می‌کنند که اسلام از راه گفتگو هم‌گام با شیوه‌های نوین برای همه‌گان معرفی شود.

اشتراک‌کنندگان این نشست علمی هم‌چنان بر ایجاد تغییر در نصاب تعلیمی و تحصیلی و شیوه‌های تدریس تاکید دارند.

این در حالی است که انتقادها از ترویج افراط‌گرایی از سوی برخی استادان ثقافت اسلامی در محیط‌های علمی و اکادمی بالا گرفته است. چنان که برای اولین بار عبدالحفیظ منصور و سپس برخی دیگر از نمایندگان در مجلس نمایندگان در پیوند به تدریس سلیقه‌ای مضمون ثقافت به وسیله استادان در محیط‌های علمی و اکادمی کشور به اعتراض برخاستند و به شدت انتقاد کردند.

قبل از این نیز شماری از نمایندگان مردم در پارلمان مدعی شدند که از منابر و مساجد، به نفع گروه‌های افراطی تبلیغ صورت می‌گیرد.

آقای حسینی گفت: «امروزه افراط‌گرایی به یک معضل جدی کشور ما مبدل شده است، پدیده‌ای که در حوزه‌های متنوع معطوف به خود مرکزپنداری و انکار دیگران است، افراط‌گرایی زمانی به خطر واقعی مبدل می‌شود که لباس تقدس بر تن کند و با سلاح تکفیر برای تسویه حساب در برابر حریف و رقیبش قرار گیرد.»

وی می‌گوید که مبارزه با افراط‌گرایی نیازمند عزم ملی و بسیج جهانی می‌باشد. آقای حسینی افزود: «افراط‌گرایی با وجود این‌که از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، ادیان و نزاع‌ها و اقوام استفاده می‌برد، این پدیده نوع آسیب اجتماعی است که حتا خاستگاه‌های خودش را متضرر می‌کند افزون برآن استفاده از گروه‌های افراطی به وسیله برخی دولت‌ها و قدرت‌ها امر نكوهنده و بیان‌گر بدسگالی آن‌ها است. آن‌ها برای رسیدن به هدف‌های خودخواهانه و منفعت‌های مادی تقابل با ارزش‌های معنوی و هنجارهای تمدن بشری را در پیش گرفته است که جا دارد در جهت افشا و جلوگیری آن تلاش‌های گسترده صورت بگیرد و تعهدات جدید به میان آورده شود.»

در همین حال، دین محمد مبارز راشدی، وزیر پیشین مبارزه با مواد مخدر نیز افراط‌گرایی را یکی از مشکلات عمده امروزی برای افغانستان و منطقه دانسته و گفت که بر افراط‌گرایی همیشه پسوند دینی داده می‌شود، زیرا گروه‌هایی که از سایه دین به افراط‌گرایی رو می‌آورند، برای آن‌ها هویت دینی بسیار مهم است.

آقای راشدی می‌گوید که دین همیشه سه خصیصه (معرفت، هویت و نجات‌بخشی) را در پی دارد که اگر این سه خواص آن مراعات شود در واقع می‌تواند در تمام موارد حیات آزادی‌بخش باشد.

آقای راشدی گفت: «یک نوع افراطیت که به شکل پروژه ایجاد می‌شود، کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در ساختن آن نقش داشته و به‌عنوان هدف سیاسی سوار بر

بستر مساعد فکری و فرهنگی به اساس نیازمندی‌های سیاسی و منطقه‌ای‌شان هرکدام توانسته گروه‌های تندرو و خشن ساخته هیچ‌کدام‌شان فروگذاشت نکرده این طور نبوده که ما بگوییم که ماشین تولید آن فقط در یک جا باشد، متأسفانه کشورهای مختلف مدل‌های مختلف با نام‌های مختلف در حال حاضر تولید می‌کند فقط نامش فرق می‌کند، اما ماهیت و چگونگی کارشان یکی است.»

در همین حال اشراق حسینی نویسنده و جامعه‌شناس، افراط‌گرایی را یک معضل جدی در افغانستان دانسته و می‌گوید که زمانی این معضل خطرناک می‌شود که لباس تقدس را به تن داشته باشد.

کردند. آنان در این نشست تاکید کردند که افراطیت پدیده‌ای است که نه تنها منطقه، بلکه جهان را تهدید کرده و بسیاری از افراطیان آن را به نام دین و مذهب گره زده‌اند.

عبدالحفیظ منصور، نماینده مردم در پارلمان تاکید کرد که گسترش افراط‌گرایی در جهان و کشورهای منطقه ناشی از سیاست‌های آمریکا و کشورهای غربی است. وی افزود: «من در ساختن گروه‌های بسیار تندرو و خشن سیاست غرب، آمریکا و متحدان آن را شدیداً دخیل می‌دانم.» آقای منصور تصریح کرد: «در سطح منطقه عربستان، ایران و پاکستان از این

شماری از آگاهان می‌گویند که نبود آگاهی و شناخت درست از اسلام باعث شده تا مفکوره‌های تندروانه تحت نام شریعت افزایش پیدا کند.

این آگاهان از گسترش افراط‌گرایی ابراز نگرانی کرده و می‌گویند که افراطیت پروژه کشورهای ایران، پاکستان و عربستان برای رسیدن به اهداف سیاسی‌شان است و هم‌چنان در گسترش افراط‌گرایی در جهان سیاست آمریکا دخیل می‌باشد.

این محققان در پیوند به آسیب‌شناسی و جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی در افغانستان و کشورهای منطقه، روز شنبه ۲۰ قوس نشست علمی را تحت عنوان «افراط‌گرایی و افغانستان» در کابل برگزار

رییس اجرایی چه می کند؟

فردوس



ملی ریاست جمهوری. این عبدالله عبدالله است که وارد میدان می شود و به جنگ رسانه‌ای کرسی می رود. عبدالله عبدالله فرصت کافی در اختیار داشت تا ریاست اجرایی را به یک نهاد فعال و کارا بدل کند. درست است که ارگ، قدرت‌مندترین نهاد افغانستان است، اما ریاست اجرایی هم پشتوانه‌ی سیاسی کافی داخلی و بین‌المللی داشت و می توانست که بهتر بدرخشد. امروز در درون ارگ شوراهاى متعددی ساخته شده که وظیفه‌ی آن‌ها بررسی کار وزارتخانه‌ها و تهیه اسناد برای رییس جمهور در جلسات کابینه است. اما در ریاست اجرایی چنین چیزی به چشم نمی خورد. با آن که رییس اجرایی هر هفته با شورای وزیران جلسه دارد، اما پیش از برگزاری این جلسه، رییس اجرایی ظاهراً هیچ متنی را نمی خواند و تقریباً بدون آماده‌گی به این جلسات می آید. رییس جمهور غنی اما پیش از برگزاری جلسات کابینه، تمام اسناد را مطالعه می کند.

ریاست اجرایی شاید میکانیزمی برای گزارش‌گیری از وزارتخانه‌ها هم برای خودش درست نکرده است. حتی یک تیم متخصص، حرفه‌ای و نیرومند در کنار رییس اجرایی نیست تا او را برای جلسات شورای وزیران آماده کند. به همین دلیل است که بیشتر جلسات شورای وزیران نتیجه‌ی مشخصی

عبدالله عبدالله نتوانسته است ریاست اجرایی را به یک نهاد فعال و کارا بدل کند. رییس اجرایی در دو سال اخیر وقتی خبرساز شده که بازی جنگ‌وگریز سیاسی با رییس جمهور غنی اجرا کرده است. در ماه اسد سال جاری ایشان فرمودند که از این به بعد، افکار عمومی چهره‌ی متفاوتی از او خواهند دید، اما تا به حال هیچ ابتکار سیاسی و اداری از او به چشم نخورده است. چهره‌ی متفاوت وقتی معنا داشت که رییس اجرایی طرح‌های بکر سیاسی و اداری را روی میز شورای وزیران می گذاشت و روش‌های جدیدی را برای به کرسی نشاندن مطالباتش مطرح می کرد. اما غیر از اظهار نظرهای سیاسی، چیزی دیگری از او دیده نمی شود.

اظهار نظرهای سیاسی رییس اجرایی هم واکنشی است. وقتی که رییس جمهور غنی در یک مراسم در انتقاد از رسانه‌ها سخن می گوید، رییس اجرایی در یک مراسم دیگر، رسانه‌ها را بخشی از روند مثبت پانزده سال اخیر معرفی می کند و به این ترتیب وانمود می کند که متفاوت می اندیشد. رییس اجرایی در پاسخ‌گویی به اظهارات حامد کرزئی رییس جمهور پیشین هم هیچ فرصتی را از دست نمی دهد. وقتی کرزئی خواهان یک گور برای ملا محمدعمر می شود، نه رییس جمهور غنی به او پاسخ می دهد و نه مشاور امنیت

ترتیب می کرد و در مورد آن با رییس جمهور چانه می زد، امروز ریاست اجرایی به یک نهاد کارا بدل می شد و حیثیت یک صدارت بالقوه را پیدا می کرد. ریاست اجرایی امروز یک نهاد نیمه‌فلج است. برخی مشاوران این نهاد ماه‌ها است که تنخواه نگرفته‌اند. شماری از مشاوران ریاست اجرایی موثر هم ندارند تا آنان را از خانه به دفتر برساند. نمی توان تمام این ضعف‌ها را به پای رییس جمهور نوشت، شخص رییس اجرایی هم در این مورد کوتاهی کرده است.

تنها کار روزانه‌ی رییس اجرایی، ملاقات‌هایی است که منشی‌های او ترتیب می دهند. رییس اجرایی برای تطبیق مواد موافقت‌نامه‌ی ۲۹ سنبله‌ی سال ۱۳۹۳ هم کار در خور توجهی انجام نداد. عبدالله

عبدالله می توانست که یک تیم حقوقی برای خودش تشکیل دهد تا در مشوره با حقوق دانان داخل و بیرون حکومت، طرح‌هایی برای تعدیل بندهای مختلف قانون اساسی ترتیب می کردند و این طرح‌ها در آینده، اساس کار کمیسیون طرح تعدیل قانون اساسی قرار می گرفت. رییس اجرایی باید با دیگر جهت‌ها و شخصیت‌های سیاسی داخل و بیرون نظام کار می کرد و یک اجتماع سیاسی در مورد چگونه‌گی تعدیل قانون اساسی و بندهای که نیاز به تعدیل دارد، به وجود می آورد. آقای سرور دانش یکی از چهره‌هایی است که نظرات مشخص حقوقی در مورد قانون اساسی و بندهایی که در آن باید تعدیل بیاید، دارد. ایجاب می کرد که رییس اجرایی و تیم او با معاون دوم ریاست جمهوری در این مورد کار می کردند.

تنها مطالبه‌ی رییس اجرایی در این مدت سهم پنجاه درصد بوده است، اما واقعیت‌هایی

ندارد. وزیران هم چندان به این جلسات اهمیتی نمی دهند. از این جلسات تا کنون هیچ طرح بکری بیرون داده نشده است تا رییس اجرایی آن را زیر بغل بزند، به ارگ برود و آن را روی میز رییس جمهور بگذارد.

رییس جمهور غنی سروکارش با متن است. اگر یک متن جامع یا یک طرح بکر در این دوسال در شورای وزیران به میان می آمد و رییس اجرایی متن آن را به رییس جمهور می برد و او را قناعت می داد، حتماً تطبیق می شد. اما رییس اجرایی نقش خود را جدی نگرفت و منتظر ماند تا رییس جمهور به او صلاحیت بیشتر بدهد.

اگر رییس اجرایی نقش خود را به عنوان یک نخست‌وزیر جدی می گرفت، برای خود تیم می ساخت، گروه‌های کاری برای وزارتخانه‌ها و سکتورهای مختلف تشکیل می داد، به کار وزارتخانه‌ها و دیگر ادارات دولتی اشراف پیدا می کرد و طرح‌هایی برای بهبود کار

چه کسی قهرمان ملی است؟

باری سلام

دست دهم اما در بدل آن ارزش‌های کلان‌تری را به دست خواهیم آورد و آن چه را به دست می آوریم، ارزشش بیشتر از آن چیزی خواهد بود که از دست می دهیم. این فرمول ساده اما مهم اقتصادی می تواند در معادلات سیاسی خیلی راه‌گشا باشد و ما را در ترک مطلق‌انگاری و پافشاری صددرصدی بر مواضع مان کمک کند.

این بحث را بدین سبب مطرح کردم که به جای نفی یک‌دیگر و نفی ارزش‌ها، بهتر است مسیر گفت‌وگو را تغییر دهیم و به جای طرح این پرسش که «چه کسی قهرمان ملی است»، این سوال را از خود و از هم‌دیگر بپرسیم که «چرا قهرمانان یک‌دیگر را نمی پذیریم» حتی اگر این قهرمانان جنبه‌های فراوان ملی‌اندیشانه و ملی‌گرایانه نیز داشته بوده باشند. بحث اولی که «قهرمان تو قهرمان من نیست و هرگز نخواهد بود» فقط به نفرت‌زایی می انجامد و دورافتاده‌گی ایجاد می کند. بحث دوم، درک عمیق‌تر سیاسی و حتا روانی را سبب می شود و نزدیکی‌ها و هم‌سویی‌ها را تحکیم می بخشد. بحث دوم، نقد عمل‌کردهای هر دو جانب را به صورت هم‌زمان دربر دارد و این پیش‌فرض دگم‌اندیشانه را از میان برمی دارد که «من» همیشه برحتم و «تو» همیشه ناحقی!

در پایان می‌خواهم اعلام کنم که من با این نبشته، در پی مقایسه فرمانده شهید احمدشاه مسعود با شاه امان‌الله‌خان غازی نیستم و نه هم می‌خواهم در تایید یا رد آن دو بحث کنم و بازگشایی این بحث را در حیطه فهم و صلاحیت خود نمی‌بینم. فقط دو دیدگاه متضاد را خواسته‌ام در کنار یک‌دیگر قرار بدهم. دو دیدگاهی را که نمی‌توان از کنارشان بی‌اعتنا گذشت. گپ آخر این است که رد کردن محض یا نادیده‌انگاری الگوها خیلی ساده استند و کل زحمتش، نوشتن یک جمله یا دادن یک دشنام است، اما این رویکرد هرگز ما را به هدف‌مان - هرچه که باشد - نزدیک‌تر نخواهد کرد. درک این مساله که چرا هم‌دیگر را نمی‌پذیریم و آنگهی بیشتر از دلیل تصادم ارزش‌ها، ما را کم از کم یک گام به سوی هم‌دیگرشناسی و هم‌دیگرپذیری و یافتن الگوها و هدف‌های مشترک به جلو می‌برد. یک گام به جلورفتن هم دستاورد و ره‌آورد بزرگ است، بویژه در سرزمینی که همیشه خوش دارد به بهانه‌های مختلف، گامی به عقب بردارد.

مبدل شده‌اند. در دنیای سیاست، ارزش‌ها تحول‌پذیراند و متأثر از روایت‌های حاکم بر وضعیت.

به نظرم، دادن لقب قهرمان ملی به صورت رسمی و دولتی می‌تواند در اعزاز و تکریم شخصیت‌ها موثر باشد و شهروندان را وادارد تا از نفرت‌ورزی سازمان‌یافته علیه شخصیت‌ها بپرهیزند و به مسامحه تن دهند. با این هم، آن چه که ذهن ما حکم می‌کند در برابر آن چه رسمیات دولتی مقرر کرده است، برای ما برتری دارد. در چنین حالت، برای

این‌که بدانیم چرا قهرمان ما برای آن نیمه‌ی دیگر جامعه قهرمان نیست، یا کمتر قهرمان است، فقط بر «نوع نگاه و معیارهای دولتی» تکیه کردن کافی نیست؛ بل باید به ذهنیت‌های هم‌دیگر نفوذ کنیم؛ خواست‌ها و آرمان‌های هم‌دیگر را بیشتر بشناسیم، ترس‌ها و هراس‌های یک‌دیگر را عمیق‌تر درک کنیم و سرانجام به این باور برسیم که منافع‌مان در وجود

هم‌دیگر بیشتر می‌شود نه کمتر. در وضعیت کنونی، نیروهای فعال اجتماعی و گروه‌های قومی، در تقابل هویتی قرار دارند و هم‌دیگرشان را مخل و یا سدی برای تامین منافع سیاسی‌شان می‌دانند. به همین ترتیب، یک طرف، کسی را قهرمان برابری‌خواهی و عدالت‌طلبی می‌شمارد، جانب دیگر همان شخصیت را فردی تفوق‌طلب و شرافگن می‌نامد. اما این طرز دید را نمی‌توان تا آخر کش داد. اگر دقیق‌تر ببیندیشیم و محاسبه کنیم، در وجود هم‌دیگر شاید چیزهایی را از

اما نفس نداشتن و یا نپنداشتن کسی به عنوان «قهرمان ملی»، ما را به داشتن قهرمان ملی نزدیک‌تر می‌کند نه دورتر. چون این وضعیت

مبین آن است که مبارزه‌ای در جریان است و طرفین برای پذیرفته‌شدن از سوی هم‌دیگرشان در تقلا استند و روزی ناگزیراند به نقطه تعادل یا هم‌ترازی (ایکوئیلبریم) برسند و آن روز، ممکن است شخصیت‌هایی ظهور کنند که همه‌گان آن‌ها را به صورت یک‌سان، قهرمانان ملی بپندارند و در وجود آن‌ها تحقق

می‌پنداشتند- در یک توطیه سازمان‌یافته از میان برداشته شد.

اما وقتی از دید «محض» قومی، به این دو شخصیت تاریخی نگاه کنید، بدون تردید می‌توانید دلایلی بیابید تا هر دو به قهرمان‌های قومی تقلیل یابند و حتا متهم به دشمنی با قوم دیگری شوند، زیرا کارنامه‌های سیاسی آن‌ها تنها منحصر به یک دوره تاریخی که از آن‌ها قهرمان ساخته است، نمی‌شود. اما آن چه برای ما اجازه نمی‌دهد تا در باره‌ی رویدادهای

تاریخی و شخصیت‌های تاریخی دید نسبی داشته باشیم، نخست مطلق‌انگاری ماست و دوم ارزش‌هایی که به هیچ بهایی حاضر نیستیم از آن‌ها گامی به عقب برداریم. این ارزش‌های ثابت و مسلط‌بر ذهن ما، می‌تواند قومی باشند، یا هم حقوق‌بشری و یا برخاسته از هر فکر و ایدئولوژی دیگر. وقتی راجع به کسی می‌اندیشیم، بدون شک شخصیت او را از محک‌های ذهنی خودمان

عبور می‌دهیم؛ و از آن‌جایی که در افغانستان این محک‌ها بیشتر قومی استند، مشکل است تا از آن سوی ذهن‌مان، یک قهرمان ملی بیرون

دهیم. از سوی دیگر در یک جامعه به‌شدت ناهم‌گون که تا این دم گفتمان ملی شکل نگرفته، نقد سیاسی خردمندانه نهادینه نشده و در آن عنصر قوم‌گرایی یکی از محورهای عمده نابرابری به‌شمار می‌رود، به مشکل می‌توان انتظار ظهور شخصیت‌هایی را داشت که همه به صورت یک‌سان آن‌ها را قهرمان ملی خویش بپندارند.



دریاهای بین‌المللی افغانستان و ضرورت اداره و مدیریت سالم آنها

♦ داکتر ضیا نظام

♦ قسمت اول



سرحدی افغانستان و اتحاد شوروی شناخته شود و جزیره در قدح خاک افغانی قبول شد. شورای ملی و مجلس اعیان همان وقت افغانستان این فیصله را تصویب کردند. اما بعد از استقلال کشورهای آسیای میانه، ایجاب می‌کند تا در زمینه با کشورهای ذی‌نفع توافقات صورت گرفته و آب دریای متذکره با شکل منصفانه و موثر استفاده به عمل آید.

دریای هلمند

دریای هلمند، دومین دریای بزرگ افغانستان است. این دریا از کوه‌های هزاره‌جات در نزدیکی سرچشمه دریای کابل از ارتفاع ۳۸۰۰ متر منبع گرفته به جانب غرب و جنوب‌غرب جریان داشته، طول آن از منبع تا مصب بیشتر یک هزار کیلو متر است. یک حصه بزرگ آن در کوهسار هزاره‌جات واقع است، به طرف زمین‌دور سرازیر می‌شود و در این ناحیه کوهستانی چندین معاون کوچکی که از آب برف‌ها سرچشمه می‌گیرند به آن ملحق می‌شوند. همین‌که دریای هلمند از گوشک می‌گذرد تقریباً در فاصله پنجاه کیلومتری شهر گوشک دریای ارغنداب که بزرگ‌ترین معاون هلمند است به آن ملحق می‌شود. دریای هلمند بعد از اتصال دریای ارغنداب حرکت خود را از شمال‌شرق جنوب‌غرب تغییر داده، تقریباً در خط مستقیمی به طرف جنوب جاری می‌شود. اما به جانب مغرب جریان یافته بعد از این نقطه در قسمتی که دریا مستقیماً به طرف دشت‌هامون هلمند جاری شده پس از بند سیستان در منطقه

پامیر تا بحیره ارال جریان دارد و سرچشمه‌های اولی آن جهیل زرقول چقمقتین که هر دو در ارتفاعات پامیر موقعیت دارند، می‌باشد.

آمو بزرگ‌ترین دریای افغانستان نیز می‌باشد که ظرفیت آب آن به ۲۲ میلیون متر مکعب می‌رسد. بعضی قسمت‌های آن قابل کشتی‌رانی است، دو بندر مهم شمالی افغانستان شیرخان و حیرتان در کنار همین دریا موقعیت دارند. از آب این دریا کشورهای همسایه افغانستان یعنی ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان جهت آبیاری زراعت استفاده می‌کنند که در ازبکستان ۲،۳ میلیون هکتار در ترکمنستان ۱،۷ میلیون هکتار و در تاجیکستان ۵،۰ میلیون هکتار زمین از طریق این دریا سیر آب می‌شود.

متأسفانه که افغانستان از این دریا استفاده ناچیز می‌کند و فقط ۱،۲ میلیون هکتار زمین از آن آبیاری می‌شود، در حالی که شرایط جغرافیایی آن طوری است که می‌شود از آن بهترین استفاده به عمل آید و سطح زندگی مردم اطراف آن بهبود یابد تا از فقر و بی‌چارگی نجات یابند.

باید یادآور شد وزیر امور خارجه انگلستان لارڈ گرانیول و وزیر امور خارجه روسیه تزاری پرنس گرونوخوف جهت تعیین خط سرحدی شمال افغانستان و روسیه تزاری توظیف و در نتیجه در سال ۱۸۷۳م سرحد شمال افغانستان یعنی خط‌السیر دریای آمو از جهیل ویکتوریا (زورکول) (زری قل) یا زرقول تا خم‌آب به نام خط امیر شیرعلی مسما شد که ۱۲۰۰ کیلو متر طول دارد.

وقتی که در سال ۱۹۱۷م روسیه تزاری سقوط کرد و دولت جدید سوسیالیستی اتحاد شوروی بر سر اقتدار آمد، آزادی و تمامیت ارضی افغانستان را به رسمیت شناختند. به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱م (۱۰ حوت ۱۲۹۹) معاهده دوستی بین افغانستان و اتحاد شوروی عقد شد که در ماده نهم آن ذکر شده بود: «حکومت اتحاد شوروی قبول می‌کند زمین‌های واقع منطقه سرحدی را که در قرن ۱۹ متعلق به افغانستان بود، دوباره به افغانستان تسلیم کند.» بعداً به تاریخ ۲۲ جوزای ۱۳۲۵ مطابق ۱۳ جون ۱۹۴۶ بین نماینده اتحاد شوروی مولوتوف وزیر امور خارجه آن کشور و سلطان‌احمد شیرزوی سفیر افغانستان، پیرامون استفاده مشترک از دریای آمو موافقت کردند تا خط وسط دریای آمو به حیث خط

از جمله دریاهایی که در هر گوشه و کنار کشور ما جریان دارند، چندتای آن‌ها عمدتاً مهم بوده و با کشورهای همسایه مشترک می‌باشند و به همین سبب دارای حیثیت بین‌المللی بوده و از اهمیت خاصی برخوردارند.

باید گفت که کنوانسیون ملل متحد در مورد دریاهای بین‌المللی به مقاصد غیر دریانوردی به تاریخ ۱۲ می ۱۹۹۷م تصویب شده، مهم‌ترین سند حقوقی برای تنظیم و مدیریت آب‌ها در این زمینه شناخته می‌شود.

ماده دوم این کنوانسیون در مورد اصطلاح دریای بین‌المللی به متن ذیل مشعر است: «اصطلاح دریای بین‌المللی به دریایی گفته می‌شود که قسمت‌های آن در کشورهای مختلف واقع گردیده باشد.» لذا نظر به این تعریف دریاهای عمده افغانستان که به خارج از کشور جریان دارند عبارت‌اند از:

دریای آمو، دریای هلمند، دریاهای کابل و هریرود که در ذیل مختصراً به معرفی‌شان پرداخته می‌شود:

دریای آمو

دریای آمو که یونانی‌ها آن را آکسوس و عرب‌ها آن را جیحون یاد کرده‌اند امروز فاصله‌ی بیشتر از ۱۲۰۰ کیلو متر حد فاصل سیاسی را بین افغانستان و چند کشور آسیای میانه تشکیل داده است.

این دریا از پامیر خرد سرچشمه گرفته و در حصه علیای خود به نام (آب واخان) و بعداً که آب پنج به آن فرو ریخته، اسم دریای پنج را به خود می‌گیرد. این دریا در بین کوه‌های مرتفع پامیر، واخان، اشکاشم، شغنان و دروازه‌ها تنگناهای عمیقی ساخته، بعد از آن سمت حرکت جنوب شرقی را اتخاذ کرده تا محلی که دریای کوچک به آن وصل می‌شود و از خم‌آب (خمیاب) کاملاً خاک افغانی را ترک می‌گوید و به طرف شمال و شمال‌غرب رفته بعد از عبور از ریگستان‌های ازبیکستان به جهیل ارال می‌ریزد.

مهم‌ترین معاونین آن در خاک افغانستان، دریای کوچک، دریای کندز، آب بلخ و آب سفید می‌باشد. معاونین آمو از طرف کشورهای آسیای میانه عبارت از قزل‌سو، وخش یا سرخاب، کافرنبان، سرخان دریا و زرافشان می‌باشند.

آمو، مهم‌ترین دریای آسیای مرکزی بوده و مقدار آب آن بیشتر از سیردریا است و به طول ۲۴۰۰ کیلو متر در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان از

دلتای امروزی خود داخل هامون می‌شود. دریای هلمند بعد از بند سیستان آب بین‌المللی شده، آب آن بین افغانستان و ایران مشترک می‌باشد. اراضی و ساحه این دریا ۲۶۴۹ کیلو متر را احتوا می‌کند، یعنی به مقایسه سایر دریاهای افغانستان بیشترین استفاده از آن صورت می‌گیرد. خلاصه سوابق بین‌المللی دریای هلمند از این قرار است:

اول - حکمیت گولد اسمیت:

حکمیت گولد سمیت که به تاریخ ۱۹ اگست ۱۸۷۲ صادر شده است اساساً، راجع به تعیین سرحد می‌باشد و در آن محض یک فقره به قرار آتی آمده است: «برعلاوه باید خاطر نشان شود که هر دو طرف با احداث تاسیساتی که سبب تقلیل مقدار آب لازمه در سواحل هلمند گردد، اقدام نمایند.» چون در آن زمان ساحه تحت زراعت در افغانستان محدود بود، پس افغانستان از یک مقدار کم آب استفاده کرده حصه اعظمی آن به ایران سرازیر می‌شد که این مقدار بیش از نصف مجموع آب هلمند در بند کمال خان بود.

دوم - حکمیت مکماهان:

حکمیت مکماهان مربوط قضیه آب رود هلمند به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۰۵ در عهد سلطنت امیر حبیب‌الله خان صادر شده است. در بند سوم این حکمیت گفته شده است:

«بنا برین ایران مستحق بر یک ثلث مجموع آب رودخانه هلمند که این مقدار از نقطه محاسبه می‌گردد که از آن برداشت آب برای آبیاری زمین‌های هر دو کنار واقع در بند کمال‌خان یا پایین‌تر از آن موقعیت دارد.»

به اساس اندازه‌گیری که مکماهان در آن زمان کرده است مقدار تثبیت‌شده‌ی فوق، یک ثلث بالغ بر اوسط ۸۳ نیم متر مکعب در ثانیه در سال نورمال آب می‌شود. این قرارداد توافق هیچ‌یک از طرفین را تأمین نکرد، و موضوع حل نشد.

سوم - قرارداد تقسیم آب هلمند منعقد، ۱۳۱۶

در این سال باقر کاظمی وزیر امور خارجه ایران به کابل مسافرت کرده، و توافقنامه تقسیم آب دریای هلمند را با علی‌محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان امضا کرده که به اساس این سند، ۵۰ فیصد آب دریای هلمند به ایران واگذار شده و این موافقت‌نامه با قراردادی که سی سال قبل هیات انگلیسی تعیین کرده است و مقدار آبی که به ایران تعلق می‌گرفت، فقط ثلث آب هلمند بود، تفاوت زیاد داشت. این قرارداد که به تاریخ ۱۳۱۶ در کابل به امضا رسید ماده اول آن مشعر است:

«دولتین افغانستان و ایران موافقت می‌کنند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هلمند که به بند کمال خان می‌رسد بین افغانستان و ایران از بند کمال خان به بعد بالمناصفه تقسیم شود.

موافقت‌نامه متذکره در مجلس وزرای افغانستان تصویب گردید اما شورای ملی آن را تصویب نکرد، لذا موضوع بار دیگر حل نشد.

چهارم - معاهده ۲۲ حوت ۱۳۵۱ یا ۱۳۲۲ مارچ ۱۹۷۳

این موافقت‌نامه که در زمان صدارت محمدموسا شفیق کاموی عقد شده بود، مطابق مندرجات و دو پروتوکول ضمیمه آن در یک سال عادی سهم ایران ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه یا سالانه ۸۵۰ میلیون متر مکعب آب تعیین شده است، یعنی کمتر از ۲۰ در صدر آب دریا بوده و هم‌چنان هر مقدار آب اضافی که به داخل خاک ایران شود، ایران مکلف است قیمت/بهای آن را تادیه کند. حوادثی چون کودتای هفت ثور ۱۹۷۳ در افغانستان، انقلاب اسلامی در ایران، داخل شدن قوای نظامی اتحاد شوروی سابق به افغانستان و حکومت مجاهدین طالبان همه و همه روی تطبیق درست این موافقت‌نامه موانعی ایجاد کرده و باعث بروز یک فاجعه محیط‌زیستی در ساحه دریاچه هامون که از آب هلمند تغذیه می‌شد؛ گردیده و قسماً به یک دریای خشک تبدیل شده است. البته خشک‌سالی‌های متواتر چند سال اخیر مخصوصاً سال‌های ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۲ یکی از عوامل عمده روند کم‌آبی و خشکی این دریاچه می‌باشد. چنان‌که تعداد زیاد مردم منطقه آن‌جا را ترک گفته و حیوانات و حتا پرندگان منطقه نیز ناپدید شده‌اند.

اخیراً یک یادداشت تفاهم بین هر دو کشور جهت تأکید اجرای موافقت‌نامه ۱۹۷۳ و برگزاری جلسات منظم کمیساران دریای هلمند و هم‌چنان همکاری هیات احیای دریاچه هامون امضا شده است.

ادامه دارد



شرکت‌های هوایی افغانستان و بازی با جان مردم

و حید پیمان

یک هواپیمای شرکت هوایی صافی، ساعت ۱۱:۳۰ روز شنبه حین نشست در میدان هوایی کابل دچار مشکل جدی تخنیکي شد. به شکلی که حتا یکی از تیرهای آن از بدنه جدا شد و مسافران بلافاصله خودشان را به طور اضطراری از هواپیما بیرون انداختند.

این هواپیما چند ماهی می‌شود که توسط شرکت هوایی صافی از کشور شاهی اردن اجاره شده و یکی از هواپیماهای کهنه و فرسوده است که در خطوط هوای صافی در مسیر هرات کابل و بر عکس آن پرواز می‌کند.

چند روز پیش نیز یک هواپیمای اجاره‌ای شرکت هوایی کام‌ایر حادثه مشابهی را پشت سر گذراند. چرخ هواپیمای فوکر اجاره‌ای شرکت هوایی کام‌ایر، حین نشست به میدان هوایی هرات آتش گرفت.

مسوولان این شرکت در هرات به روزنامه ۸ صبح گفته بودند که تنها بریک‌های یکی از چرخ‌ها جمع مانده بود و موضوع جدی نبوده است. اما شاهدان عینی گفتند که آتش‌نشانی بلافاصله به محل رویداد رسیده و از نفوذ آتش به بدنه هواپیما جلوگیری کرده است.

فیروزه از مسافری هواپیمای صافی که روز شنبه در میدان هوایی کابل دچار حادثه شد روایت‌های تلخی دارد و می‌گوید هنوز بیست دقیقه به نشست در میدان هوایی کابل باقی مانده بود که تکان‌های عجیب و غریب طیاره منجر شد تا تعداد زیادی داد و فریاد بزنند.

فیروزه می‌گوید: «دست‌کم دو نفر یک بغل دست من و یک مسافر دیگر نیز دقیقا پیش روی من بی‌هوش شدند. به گفته فیروزه، پس از آن تا ساعت ۵ عصر مسافران منتظر بودند که شاید هر لحظه بار و اثاث‌شان به‌دست‌شان برسد. به گفته او عده‌ای هیچ‌پولی نزد خود نداشتند و داروندارشان در بیک‌ها بود، اما شرکت هوایی صافی تا ساعت ۵ عصر حتا از دادن یک بطری آب خالی هم پرهیز کرد.»

گفته شد که یکی از تیرهای هواپیما پاره شده بود ولی پرسش‌های زیادی برای ما بی‌جواب است اینک: اگر تیر طیاره پنجر شده چرا بدون کدام اعلان و انانس و هشدارهای ایمنی طیاره از فاصله ۷۰۰ متر بدون کم‌کردن ارتفاع به زمین نشست؟ چرا قبل از رسیدن نشست اطفاییه آماده‌باش در انتظار بود؟

تایرهای هواپیما پاره شده بود ولی پرسش‌های زیادی برای ما بی‌جواب است اینک:



تایرهای هواپیما پاره شده بود ولی پرسش‌های زیادی برای ما بی‌جواب است اینک:

اگر تیر طیاره پنجر شده چرا بدون کدام اعلان و انانس و هشدارهای ایمنی طیاره از فاصله ۷۰۰ متر بدون کم‌کردن ارتفاع به زمین نشست؟ چرا قبل از رسیدن نشست اطفاییه آماده‌باش در انتظار بود؟ چرا مسوولین بلندپایه‌ی میدان هوایی گفتند اعلان خطر و باز نشدن دروازه‌ها از بیست دقیقه پیش برای ما گزارش شده بود و خدا برای‌تان تولد دوباره داده است و احتمال آتش‌گرفتن طیاره بسیار بوده است؟ چرا تکان‌های شدید باعث بی‌هوشی چندین تن

از مسافری شد؟ و چندین سوال دیگر...»

دپروز یک‌شنبه نسیمه با فرزند کوچکش در میدان هوایی هرات منتظر بود تا با پرواز ساعت ۱۲:۱۰ دقیقه آریانا خودش را به کابل برساند و از آن‌جا ساعت ۴:۳۰ عصر با پرواز امارات به دبی و پس از آن از دبی به کانادا برود. اما ظاهرا حادثه روز شنبه هواپیمای اجاره‌ای صافی، تمام برنامه‌ها را بر هم ریخته و نسیمه نمی‌داند چه در انتظارش است.

پرواز شرکت هوایی آریانا از ساعت ۱۲:۱۰ دقیقه به ساعت ۴:۰۰ به تعویق افتاده است و نسیمه و فرزندش در بلا تکلیفی عجیبی به‌سر

به گفته فیروزه، موقعی که هواپیمای صافی نشست کرد، مثل این می‌ماند که هواپیما با شدت تمام به زمین خورده باشد و خدمه هواپیما فریاد زدند که زود زود خودتان را پایین بیندازید.

به گفته وی: حادثه روز شنبه شرکت هواپیمایی صافی شاید به ظاهر کوچک انعکاس داده شده باشد، ولی آن‌قدر عظیم بود که دقایق کمی به انفجارش مانده بود و طیاره از آغاز پرواز با مشکل مواجه بود و بیست دقیقه به زمان نشست، مانده بود که خدمه‌ها همه هراسان و لرزان در حال چک محیط داخلی هواپیما بودند. خانم فیروزه می‌گوید: «گفته شد که یکی از

می‌بردند. در نهایت شوهر نسیمه از کانادا همه‌چیز را تنظیم کرد و نسیمه باید دو شب دیگر در کابل بماند تا روز سه‌شنبه بتواند به پرواز شرکت هوایی امارات خودش را به دبی و از آن‌جا به کانادا برساند.

هواپیماهای افغانستان، کهنه‌ترین هواپیماهای جهان

این حوادث و رخدادها در شبکه‌های اجتماعی نیز واکنش‌هایی را برانگیخته است. شمس‌الدین شمس از خبرنگاران کشور در صفحه فیس‌بوک خود نوشته است: «هواپیماهای افغانستان کهنه‌ترین و فرسوده‌ترین هواپیماهای جهان‌اند، اما نرخ تکت‌های این هواپیماهای کشور، نسبت به هواپیماهای خارجی قیمت‌ترین نرخ را دارد.»

شرکت‌های هوایی دولتی و خصوصی افغانستان کهنه‌ترین و فرسوده‌ترین هواپیماهای جهان را استفاده می‌کنند. هواپیماهای صافی ایرویس ۲۳ سال، کام‌ایر ۲۶ سال و هواپیماهای شرکت دولتی آریانا ۲۵ سال عمر دارند. اما نرخ تکت‌های این شرکت‌های هوایی نسبت به هواپیماهای خارجی قیمت‌تر است.

هواپیماهای شرکت‌های هوایی مانند ترکیش ایرلاین ۶ سال، ازبکستان ۹ سال، ترکمنستان ۸ سال، امارات متحده عربی ۵ سال، دویی ۳ سال، تاجیکستان ۱۳ سال، هند ۹ سال و پاکستان ۱۱ سال عمر دارند، در این میان تاجیکستان که یکی از فقیرترین کشورهای منطقه است، عمر هواپیماهایش از ۱۳ سال تجاوز نکرده است. ایران که سال‌هاست در تحریم اقتصادی به سر می‌برد اما با آن هم نرخ تکت‌های هواپیمایش به تناسب هواپیماهای کهنه برابر و ارزان‌تر است.

هواپیماهایی که عمرشان از ۲۰ الی ۲۵ سال گذشته باشد اجازه نشست در بسیاری کشورهای جهان را ندارند و از این لحاظ هواپیماهای دولتی و خصوصی افغانستان در اکثر کشورهای دنیا اجازه نشست ندارند.

به گفته آقای شمس، دولت افغانستان همان‌طوری‌که برای واردات موتر شرایط ویژه را وضع کرده است، حکومت و اداره هوانوردی افغانستان نیز هواپیماهای که حداقل عمرشان از ۱۵ سال گذشته باشد را باید نگذارند تا خریداری و یا به کرایه گرفته شود.

بنیادگرایی شمشیری خونین بر دست بیگانه‌گان

عبدالمنان دهباز

داستان تندروی مذهبی در افغانستان به زمان تجاوز اتحاد جماهیر شوروی بر می‌گردد. در آن روزگار موجی از تبلیغات علیه حاکمیت وقت به راه افتاد، عرب‌ها از نخستین کسانی بودند که به تندروی دینی در برابر رژیم وقت تاکید می‌کردند. تبلیغات مسامحه‌ناپذیر آن‌ها (تکفیر) نه تنها در میان همه گروه‌های جهادی تعمیم نیافت، بل حتا نتوانست برخی این گروه‌ها را نیز اقناع کند. بعدها این دام رفته رفته دامن‌گیر شماری از گروه‌ها و احزاب جهادی شد، احزابی که در مبارزات سیاسی‌شان راه میانه و مدارا را در پیش گرفتند و زیر بار تبلیغات افراط‌گرایی مذهبی آن‌ها نرفتند. همین بود که این گروه‌های میانه‌رو، بعد از موفقیت و تشکیل حکومت اجازه نفس کشیدن، را نیز نیافتند.

همان گروه‌های تندرو و رادیکال که روزی به‌عنوان برادران دینی علیه دشمن می‌رزمیدند، بعد از پیروزی در مقابل برادران و دوستان دپروز قرار گرفتند و نگذاشتند که «برادران دینی؟!» شان یک شب به فکر آرام برای فردای سیاسی‌شان برنامه‌ریزی کنند. با حمله آمریکا به افغانستان افراط‌گرایی به صورت چشم‌گیری افزایش یافت، در این فاز جدید، بنیادگرایی نه تنها امریکایی‌ها، بل همه کسانی که با آن‌ها هم‌کاری داشتند، به زیر تیغ تکفیر برده و از دایره اسلام بیرون خواندند. یعنی این بار تیر بنیادگرایی خیلی برنده‌تر از گذشته وارد عمل شد، مهم‌ترین دلیل قاطعانه عمل‌کردن آن‌ها این بود که شماری از جریان‌ها و افراد این کشور دست به دست امریکایی‌ها داده و «امارت اسلامی طالبان» را نابود کردند، بنا بر این مستحق تکفیر و نابودی‌اند.

تصور می‌شد که بنیادگرایی در دل تاریخ مدفون شده و دیگر جهان شاهد چنین

کشور دیگر به سود تندروی و خشونت‌گرایی استفاده کرده و نگذاشتند که مردم افغانستان شاهد یک زیست صلح‌آمیز و انسانی باشند. دوستی و روابط سیاسی شماری از کشورهای حامی دهشت‌افکن با جهان غرب هیچ‌گاه برای دهشت‌افگان مساله دینی نبوده است؛ اما ان‌گاه که نوبت افغانستان رسید، انگار زمین بر آسمان می‌خورد. همیشه گروه‌های بنیادگرا و رادیکال به مردم افغانستان تلقین کردند که در میان توسعه و دین، یکی را بر گزینید. به باور آن‌ها پیش‌رفت و ترقی مردم افغانستان، جایگاه دین اسلام را در این کشور محدود کرده و بر ساختمان دینداری مردم لرزه می‌افکند. اما واقعیت این است که هم آموزه‌های دین اسلام و هم تجربه دیگر کشورهای مسلمان در جهان نشان می‌دهد که اسلام نه تنها در برابر توسعه و پیش‌رفت نمی‌ایستد، بل در پشت سر آن‌ها قرار گرفته و از آن پشتیبانی می‌کند. ولی بستگی به این دارد که مسلمانان به کدام قرائت دینی پای‌بند بوده و این قرائت‌ها چقدر در اختیار سیاست و قدرت قرار گرفته است. حامیان بیرونی بنیادگرایان افغانستان به این‌ها یاد داده‌اند که چگونه مبارزه خشن خویش را در میان مردم افغانستان تهریه کنند، یعنی وقتی به یک بنیادگرا روبرو می‌شوید، دفعتا به رخ شما می‌کشند؛ ولی هیچ‌گاهی از خود و حامیان خود نپرسیده‌اند که اگر روابط سیاسی و دیپلماتیک با یک کشور غربی جرم و گناه شمرده شده و در خرمن اندیشه دینی دینداران آتش بزند، چرا این‌تر در کشورهای عربی و پاکستان عینیت ندارد؟

دست‌آوردهای جهان مدرن در کشورهای عربی نهفته است. برخی کشورهای عربی از پدیده‌ای بنیادگرایی و هراس افگنی در جهان به عنوان یک شمشیر برنده علیه کشورها و ملیت‌های دیگر استفاده کرده و می‌کنند. ما وقتی به سهم و نقشی کشورها در بازسازی افغانستان در یک دهه نگاه می‌کنیم، به وضاحت می‌بینیم که کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی با آن همه امکانات مالی و اقتصادی‌ای که دارند، هیچ نقشی کلیدی و مهمی را در راستای زیرساخت‌های اقتصادی و به‌سازی نظام نو پای افغانستان نداشته است. پس از شکست رژیم طالبان هر کشوری سهمی در بخش‌های بازسازی ویرانه‌های افغانستان گرفتند تا چهره این کشور را از ویرانی به آبادانی مبدل کنند. اما کمک‌های عربستان سعودی بالاتر از ساخت‌وساز مدارس دینی نبوده است؛ مدرسی که به جز جزم‌اندیشی مذهبی، دامن‌زدن به اختلافات مذهبی، تقدم دانستن نقل بر عقل، تعمیم جمود و خمود در جامعه و تکفیر روشن‌فکران کشور، چیزی دیگری به دانش‌آموزان‌شان نیاموخته‌اند.

اگرچه گونه‌های دینداری اکثریت مردم افغانستان و یا قرائت‌های دینی که این مردم به آن پایبنداند، با قرائت‌ها و برداشت‌های رادیکال و خردگرایانه کشورهای عربی فرق داشته است. قرائت دینی و رسمی آن‌ها بر پایه تقدم نقل بر عقل استوار است؛ در حالی که قرائت و برداشت دینی مردم افغانستان همیشه آمیخته با معرفت بوده و عقل را متاع ارزش‌مند و نیاز مبرم بشری تلقی کرده‌اند.

برخی از کشورهای منطقه از بحران‌های به‌وجود آمده در افغانستان، بیشتر از هر

و تروریسم از دل آن بیرون می‌تراود. داستان غم‌انگیز بنیادگرایی پس از فروپاشی رژیم طالبان تشدید یافت، تبر برنده بنیادگرایی آگاهانه و ناآگاهانه به سوی کسانی پرتاب شد که به نحوی دست‌شان در سرنگونی «امارت اسلامی طالبان» دخیل بود. در این دوره از یک‌سو هراس‌افگنان مسلح دلیل مبارزه خویش را سرنگونی این مارت بی‌بنیاد خواندند و راه ترور و دهشت را در پیش گرفتند، از سوی دیگر بنیادگرایانی که در هوای دموکراسی و آزادی بیان نفس می‌کشیدند، دلیل نفرت خویش را حضور نیروهای امریکایی در افغانستان گرفتند و رفته رفته راه را به حضور و گسترش هراس‌افگنی در سراسر افغانستان هموار ساختند. سوگ‌مندانه در این سال‌ها بیشتر از هر زمانی دیگری به گروه‌های رادیکال و بنیادگرا میدان داده شد. در این میدان گروه‌ها و احزاب رادیکال اسلامی بیشتر از همه دست به کار شده و از احساسات پاک دینی مردم کشور به حد اعظم سود بردند. تشدید جنگ‌ها و گسترش خشونت در سال‌های اخیر، ناشی از همین تبلیغات زهرآگین و خردگریز پیروان این گروه‌ها بوده است. این تبلیغات به‌پیمانه‌ای گسترده بود که به مشکل می‌شد، تمایز فکری میان یک جوان دانشگاهی و یک طالب آدم‌کش را پیدا کرد. یعنی هر دو یک موضع داشتند، با این تفاوت که یکی در دانشگاه و زیر بیرق حکومت حرف می‌زد و دیگری در کوه‌ها و جنگل‌ها به سوی نیروهای حکومتی راکت پرتاب می‌کرد.

ریشه فکری و آب‌شخور ذهنی همه این گروه‌های رادیکال و بدبین به ارزش‌ها و

گروه‌های فتنیک و مرتبط به سده‌های گذشته نخواهند بود؛ اما آفتاب گرم استخبارات جهانی و منطقه‌ای دوباره بر نعش خوابیده و منجمد آن‌ها تابید و به آنان حیات تازه‌ای بخشید، با حیات‌بایی مجدد آن‌ها، حیات میلیون‌ها انسان دیگر در خطر افتید. شکی نیست که فعلیت یافتن بنیادگرایی بدون هم‌کاری کشورهای عربی و پاکستان در جهان ممکن نبوده است. نزدیک به نیم قرن می‌شود که کشورهای متذکره با کارت بنیادگرایی بازی کرده و به حیات سیاسی و هم‌مونی‌طلبانه‌شان ادامه می‌دهند. طبیعی است که در این بازی‌ها، سرزمین‌های بسیاری به ویرانه مبدل شده و مردمان بی‌شماری سر به نیستی می‌نهند.

از سوی دیگر، امروز افغانستان بهترین میدان بازی گروه‌ها و شبکه‌های بنیادگرا تبدیل شده است، تندروترین احزاب سیاسی و دکماتیزم در این کشور فعالیت داشته و زیر عنوان دین و شعارهای اسلامی مردم و جوانان را به سوی تندروی و افراط‌گرایی سوق می‌دهند. هم‌چنان اکثریت مدارس مذهبی هم که در این اواخر از سوی عربستان در گوشه و کنار افغانستان به فعالیت آغاز کرده‌اند، فراتر از خردستیزی و تکفیرنمودن شهروندان این کشور چیزی دیگری در کیسه خویش ندارند و جوانان که به این مدارس می‌پیوندند، دیری نگذشته به افراطی‌ترین آدم‌ها مبدل شده و تقدیم جامعه می‌شوند. عقب ماندگی ذهنی و فقر اقتصادی از عمده‌ترین دلایل پیوستن جوانان افغانستان به گروه‌های تندرو و رادیکال مذهبی گفته شده است، وقتی این پدیده‌ها با قرائت سخت‌گیرانه دینی یک‌جا شود، هراس‌افگنی

ایجاد هماهنگی میان نهادهای عدلی و قضایی؛

آیا هنوز هم نگران شفافیت و اطلاعات دوسیه‌های حقوقی تان اید؟

امان ریاضت

در دوسیه جزایی و عریضه به اداره حقوق و یا محکمه ابتدایی در دوسیه مدنی، آغاز و تا مرحله نهایی دوسیه، معلومات را در دیتابیس آنلاین (داخل شبکه محفوظ انترنتی)، حفظ می‌کند.

پس از برخی از مشکلاتی که در زندان پل چرخي-کابل، رخ داد، دولت افغانستان تصمیم گرفت تا روی روندی کار کند که بتواند، چگونگی طی مراحل قضایی جزایی را، در مرحله‌های گوناگون، ثبت و کنترل کند. به همین منظور، در ۲۰۰۸م، پروژه آزمونی را به منظور بررسی دوسیه‌های زندان مرکزی پل چرخي، راه اندازی کرد که بر بنیاد آن، شمار بیشتر از ۱۰۰ زندانی که زمان محکومیت‌شان به پایان رسیده بود و اما هنوز هم در زندان بودند، آزاد شدند. این کار سبب شد تا ضرورت ایجاد سیستم پیش‌رفته‌ای به منظور ثبت و تعقیب دوسیه‌های جزایی، هر چه بیشتر احساس شود.

به این منظور، تفاهم‌نامه میان نهادهای ذی‌ربط در قضایای جزایی (نهادهای کشفی، عدلی و قضایی) در ۲۰۰۹م، برای ایجاد یک چنین سیستمی، امضا شد. هیئت نظارتی از نمایندگان این نهادها برای نظارت و ارزیابی از تطبیق این سیستم، ایجاد شده که نشست‌های ماهوار برگزار می‌کنند. سیستم مدیریت ثبت قضایا، بیشتر از (۱۸۱۰۹۰) قضیه جزایی و بیشتر از (۱۴۷۱۰) دوسیه مدنی، تجارتی و فامیلی را ثبت این سیستم کرده است.

در ادامه، تفاهم‌نامه دیگری میان ستره محکمه و وزارت عدلیه در ۱۶ سنبله ۱۳۹۳ برای ایجاد و تطبیق سیستم مدیریت قضایای مدنی و تجارتی امضا شد. با این وضع، پس از دو سال در ۳۳ ولایت کشور، ۸۶ اداره سیستم مدیریت قضایای مدنی و تجارتی، ایجاد شده و اکنون روند ثبت این قضایا، جریان دارد.

نبود یک سیستم مدرن در زمینه ثبت، تعقیب و حفظ قضایا، یکی از نگرانی‌های جدی نهادهای عدلی و قضایی بود، بر بنیاد این مساله مهم، نهادهای عدلی و قضایی به همکاری تخنیکي و مالی پروگرام حمایت سکاتور عدلی افغانستان (J.S.S.P) سیستم مدیریت ثبت قضایا را در دوسیه‌های جزایی، تجارتی و خانواده‌گی-مدنی، ایجاد کرده‌اند.

هماهنگی میان نهادهای عدلی و قضایی، تنظیم و حفظ اطلاعات حساس و مهم دوسیه‌ها، شفافیت و پاسخ‌گویی، سهولت دستیابی به معلومات عدلی و قضایی و تضمین تطبیق قانون به وقت آن، از مهم‌ترین نیازهای ایجاد یک چنین سیستمی، است.

سیستم مدیریت ثبت قضایا (CMS)، اکنون در دوسیه‌های مختلف قضایای حقوقی، در وزارت عدلیه استفاده می‌شود. این سیستم، معلومات دوسیه‌های جزایی و مدنی را در نهادهای عدلی و قضایی ثبت، تعقیب و حفظ می‌کند. این معلومات از مرحله بازداشت



بویینگ به ایران هشتاد فروند هواپیما می‌فروشد

فرهاد پرورش، مدیرعامل شرکت هواپیمایی ایران «ایران ایر»، روز یکشنبه اعلام کرد که براساس این قرارداد، ۵۰ هواپیمای مدل ۷۳۷ و ۳۰ هواپیمای مدل ۷۷۷ پهن پیکر، در یک دوره ۱۰ ساله به ایران تحویل می‌شود.

فلچر باراک دال، معاون مدیرعامل شرکت هواپیماسازی بویینگ، نیز ارزش این قرارداد را ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار اعلام کرد و گفت که شرکت بویینگ این قرارداد را با تایید دولت آمریکا، نهایی کرده است. قرارداد اولیه بین دو شرکت در ماه جوزا امضا شده بود.

شرکت‌های ایران ایر و بویینگ روز یکشنبه قرارداد نهایی خرید ۸۰ هواپیما به ارزش ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دالر را در تهران امضا کردند. معاون مدیرعامل بویینگ اعلام کرده که این شرکت پس از تایید دولت آمریکا، قرارداد با ایران را نهایی کرده است.

در همین حال وزیر راه و شهرسازی ایران گفته که دو شرکت پس از ۴۱ سال بار دیگر قرارداد خرید هواپیما امضا کرده‌اند. به نقل از رادیو فردا و به گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا،

حملات هوایی سنگین روسیه داعش را از شهر پالمیرا بیرون راند



تاریخی پالمیرا را به همراه دیگر شهرها در ولایت حمص به تصرف خود درآوردند. پس از آن، جنگجویان به تخریب آثار باستانی که بخشی از گنجینه بشری «یونسکو» به شمار می‌رود، آغاز کردند. گروه داعش معتقد است که همه مجسمه‌های مذهبی و تصاویر، مظهر شرک هستند و باید تخریب شوند. این گروه مناطق و آثار باستانی بسیار کهن را در عراق و سوریه تخریب نموده است.

شهر تاریخی پالمیرا از دوران پرشکوه «آشوری‌ها» در ۲۱۰ کیلومتری دمشق موقعیت دارد. این شهر باستانی به «مروارید صحرا» نیز معروف است. قدمت بخش اعظم ویرانه‌های پالمیرا به سده‌های یکم و دوم میلادی باز می‌گردد. پالمیرا در دوران کهن یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی جهان بود و در معماری ساختمان‌های آن از تکنیک‌های یونانی، رومی، سنت محلی و ایران باستان استفاده شده بود.

حملات هوایی روسیه صبح روز یکشنبه جنگجویان داعش را از شهر تاریخی پالمیرا در مرکز سوریه بیرون راند. شورشیان پس از چند روز حملات شدید توانسته بودند دوباره به این منطقه وارد شوند. به گزارش دویچه‌وله، رامی عبدالرحمن از سازمان «دیده بان حقوق بشر سوریه» که مقر آن در بریتانیا است، گفته است: «حملات هوایی شدید روسیه طی شب گذشته شورشیان داعش را که فقط چند ساعت پیش تر وارد پالمیرا شده بودند، از این شهر بیرون راند.» عبدالرحمن گفت که شمار زیادی از جنگجویان گروه داعش در این حملات کشته شدند. او گفت که نیروهای دولتی سوریه جنگ را در این مناطق تشدید کرده‌اند و حالا شورشیان در حومه این منطقه می‌جنگند. این شهر تاکنون چند بار بین نیروهای دولتی سوریه و شورشیان داعش دست به دست شده است. در ماه می سال گذشته میلادی، شورشیان داعش شهر

تمایل اپوزیسیون سوریه به مذاکرات بدون پیش شرط با اسد



رئیس‌جمهور آمریکا و سیاست‌های او نیز از دیگر دلایل احتمالاً تأثیرگذار در آینده، برآورد می‌شود.

بسیاری از مذاکرات صلح پیشین، به دلایل مختلفی شکست خوردند. عمده مخالفان دولت بشار اسد، خواستار کناره‌گیری او از قدرت، به عنوان پیش شرط یا آغازی برای گذار سیاسی و پایان جنگ داخلی شده بودند. نشست اخیر فرانسه با انتقاد وزیر خارجه یکی از مهم‌ترین مخالفان اسد، یعنی ترکیه روبه‌رو شده است.

مولود چاوش‌اغلو، وزیر خارجه ترکیه، ساعتی پس از نشست پاریس به شبکه تی‌آرتی ترکیه گفت در دیدار پاریس «در این مورد بحث شد که چگونه می‌توان خواسته‌های اسد و متحدان او را برآورده کرد».

او البته به طور مستقیم نامی از این متحدان نبرده، اما روسیه و ایران از جمله مهم‌ترین متحدان بشار اسد به شمار می‌روند. در حالی که تهران و مسکو، غرب و مخالفان منطقه‌ای اسد را عامل تشدید بحران در سوریه می‌دانند، دیگر سو، حمایت‌های ایران و روسیه، حملات هوایی و سازمان دادن به شبه‌نظامیان خارجی را عامل ادامه یافتن جنگ داخلی معرفی کرده است.

وزیر خارجه فرانسه نیز از روسیه انتقاد کرده می‌گوید حملات آن کشور بیشتر از آن‌که برای مقابله با تروریسم انجام شود، برای «تقویت یک دیکتاتور» است.

ژان مارک ارو، وزیر خارجه فرانسه، در بی‌نشست مقام‌های ارشد کشورهای غربی و شماری از مخالفان منطقه‌ای بشار اسد، گفته اپوزیسیون سوریه مایل به احیای مذاکرات با حکومت مرکزی آن کشور، «بدون پیش شرط» است. وزیر خارجه ترکیه از نشست پاریس انتقاد کرده است.

به گزارش رادیو فردا، خبرگزاری فرانسه به نقل از وزیر خارجه آن کشور، می‌گوید: «اپوزیسیون سوریه آماده است تا مذاکرات بدون پیش شرط [با بشار اسد] از سر گرفته شود.»

او افزوده است: «باید شرایط را برای ایجاد یک گذار سیاسی آماده کنیم و مذاکرات، باید بنا بر اصولی مشخص، در چهارچوب قطعنامه سازمان ملل احیا شود.»

نشست همگانی سازمان ملل متحد طی سال‌های گذشته با صدور قطعنامه‌هایی خواستار پایان یافتن جنگ داخلی سوریه و حرکت به سوی یک گذار مسالمت‌آمیز سیاسی در آن کشور شده است؛ اما جنگ داخلی سوریه ادامه داشته و اکنون در آستانه ششمین سال پیاپی، با صدها هزار کشته و میلیون‌ها آواره، یکی از بدترین بحران‌های معاصر به شمار می‌رود.

با این همه تحولات تازه‌ای در جریان این جنگ رخ داده است؛ از جمله پیشروی عمده نیروهای اسد و متحدان او در حلب. در عین حال انتخاب دونالد ترامپ،

رقم کشته‌گان انفجارهای استانبول به ۳۸ تن رسید

وزارت داخله ترکیه پیشتر اعلام کرده بود، شمار زیادی از ماموران پولیس ضدشورش در این انفجارها زخمی شده‌اند. تصاویر و ویدیوهایی که از این انفجارها منتشر شده است، آمبولانس‌ها و نیروهای پولیس را در حال حرکت در جاده‌های اطراف منطقه نشان می‌دهد.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، گفته است هدف از انفجارها، در پی بازی فوتبال، «افزایش شمار قربانیان» بوده است. مقام‌های ترکیه، انفجارها را «حملات تروریستی» توصیف کرده‌اند. آقای اردوغان خود گفته است: «ما یک بار دیگر، این‌جا در استانبول، شاهد چهره کریه تروریسم هستیم که هر گونه عقیده و اخلاقی را زیر پا گذاشته است.» اردوغان در زمان وقوع انفجارها در شهر استانبول حضور داشت. این در حالی است که حکومت ترکیه دیروز را اعزای عمومی اعلام کرد.

وقوع دو انفجار در نزدیکی یک استادیوم در استانبول، در ساعات پایانی شب شنبه ۲۰ قوس و پس از پایان یک مسابقه فوتبال، دست‌کم ۳۸ کشته و بیش از ۱۶۰ زخمی برجای گذاشته است. وضعیت شماری از زخمی‌ها وخیم گزارش شده است.

به گزارش رادیو فردا و به گفته سلیمان سویلو، وزیر داخله ترکیه شمار کشته‌ها به ۳۸ نفر افزایش یافته که ۳۰ نفر از آنها پولیس هستند. وی هم چنین گفت ۱۶۶ نفر هم در این انفجارها زخمی شده‌اند.

انفجارها در نزدیکی استادیوم «وودافون» در «بشیکتاش»، پس از پایان یک بازی فوتبال رخ داده است. سلیمان سویلو، وزیر داخله ترکیه خبر داده است که یک موتر بمب‌گذاری شده، که ماموران پولیس را هدف قرار داده بود در بیرون ورزشگاه منفجر شده است.

ویراستاران:

وحدید پیمان، سهیلا وداع خموش، مریم حسینی، زینب فرهمند

خبرنگاران:

ظفر شاه رویی ۰۷۹۹۳۱۹۵۳۴

هماهنگی خبر:

خیبر رحیمی - مصطفی سروری - مهدی فرهاد - غلامرضا مجیدی

صفحه آرایی:

احمدضیا محمدی

ویسایت:

۰۷۰۸۱۴۴۰۴۷

پذیرش اعلان:

صندوق پستی ۱۹۱۱، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

نشانی پستی:

ایستگاه برج برق، سرک کلوله‌پشته، ناحیه چهارم، کابل

نشانی دفتر کابل:

ایمیل روزنامه: Afghanistan_8am@yahoo.com

۸صیح در ویرایش و پیرایش مطالب وارده دست باز دارد.

به جز سرمقاله، آرای مطرح شده در مقالات به نویسندگان آن برمی‌گردد.

www.8am.af

www.facebook.com/8am.af

Twitter: @HashteSubhDaily

sanjarsohail@yahoo.com

parwiz_kawa@yahoo.com ۰۷۰۰۲۲۸۹۸۸

مجتبی هاشمی ۰۷۶۶۶۴۴۶۶۴ sayedmujtaba_hashemi@yahoo.com

فردوس کاوش

فریدون آژند ۰۷۹۷۴۱۶۰۶۲

شایان فریور ۰۷۰۰۷۰۹۰۹۸ shayanfa@gmail.com

صاحب امتیاز:

مدیر مسول:

معاون مدیرمسول:

تحلیلگر ارشد:

دبیر بخش سیاسی:

دبیر بخش ادب و فرهنگ:

صبح

Publisher:

Sanjar Sohail

sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:

Parwiz Kawa

parwiz_kawa@yahoo.com

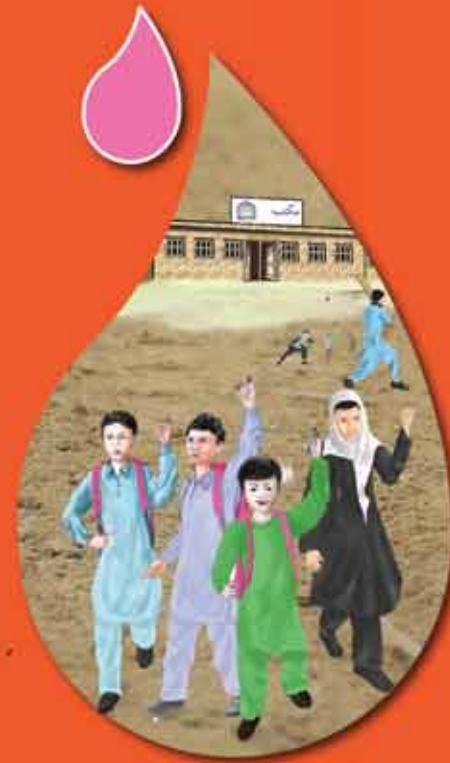
+93 700228988



مرض پوليو تداوی ندارد

مرض پوليو اطفال را برای همیشه فلج میسازد، و حتی سبب مرگ آنها میگردد.

یگانه راه جلوگیری از مرض پوليو، واکسين نمودن تمام اطفال با دو قطره واکسين ضد پوليو در هر دوره الی سن پنج سالگی آنها میباشد.



دو قطره واکسين پوليو، برای هر طفل در هر دوره الی سن پنج سالگی



اطفال شما واقعاً ضرورت دارند که توسط دو قطره واکسين ضد پوليو واکسين شوند.

• اگر طفل شما در جریان کمپاین پوليو واکسين نشده اند، او را فوراً به نزدیکترین مرکز صحتی ببرید.

• طفل تان را بطور منظم به نزدیکترین مرکز صحتی ببرید تا او را در مقابل امراض کشنده دیگر مانند توبرکولوز، زردی سیاه پوليو و سرخکان واکسين نمایند.

اگر اطفال شما مریض، در حال خواب و یا نوزاد باشند، نیز در معرض مبتلا شدن به مرض پوليو قرار دارند و باید واکسين شوند.



طفل خوابیده



طفل مریض



طفل نوزاد